

بررسی آراء میرزا ابوالحسن جلوه

در نقد حرکت جوهری ملاصدرا

بهزاد محمدی*، دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات اصفهان
مهدی دهباشی، استاد گروه فلسفه دانشگاه اصفهان

چکیده

حرکت جوهری که برآمده از مبانی فلسفی ویژه حکمت متعالیه است، یکی از اساسیترین نظریه‌های بدیع در تاریخ فلسفه اسلامی است که توانسته بسیاری از معضلات و ابهامات فلسفی را حل نماید. اما حکیم میرزا ابوالحسن جلوه انتقاداتی بر این نظریه وارد کرده است که مهمترین آنها عبارتند از: بازگشت همه تغییرها در جهان به حرکت وضعی فلک، اعتقاد به کون و فساد آنی حرکات در جهان، نیاز حرکت جوهری به موضوع ثابت و انقلاب ماهیت در صورت پذیرش حرکت جوهری. در این مقاله این انتقادات هم بلحاظ مبنایی و هم بلحاظ تبیین و استدلال مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یافته‌های مقاله نشان می‌دهد که حکیم جلوه با نگاه مشائی و غفلت از اصول اساسی فلسفه ملاصدرا، این انتقادات را مطرح نموده است و همچون شیخ‌الرئیس در همه اشکالاتی که بر حرکت جوهری وارد کرده، بین احکام وجود و احکام ماهیت خلط نموده است.

مقدمه

سخن از ثبات و حرکت در تاریخ فلسفه به فیلسوفان پنج قرن قبل از میلاد بازمی‌گردد. پارمنیدس از جمله فیلسوفانی است که همه چیز را ثابت می‌انگارند.^۱ در مقابل، هراکلیتوس همه جهان را در تحرک و دگرگونی مداوم میدید و به امر ثابتی در جهان قائل نبود.^۲

ارسطو در این بین، هم به ثبات قائل است و هم به تغییر. از نظر او در هر تبدیلی دو امر مطرح است: امر مشترک ثابت و امر مختص عوض شونده. اگر امر مشترک ثابت، جوهر شیء باشد و امر مختص عوض شونده، اعراض و صفات آن باشند، تغییر در عرض است و اگر امر مشترک ثابت، جزء جوهری مادی شیء باشد و امر مختص عوض شونده، جزء جوهری دیگر آن — یعنی جزء صوری آن باشد — تغییر در جوهر است.^۳ بنظر ارسطو، فقط در سه دسته از اعراض حرکت رخ میدهد: کیفیات، کمیات و آیین. او معتقد است حرکت در اعراض ممکن نیست آنی

(نویسنده مسئول) *Email: Behzad_sadra@yahoo.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری است.

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۱ تاریخ تأیید: ۹۳/۲/۱۴

۱. کاپلستون، تاریخ فلسفه، ج ۱، ص ۷۰.

۲. همان، ص ۵۹.

۳. پاپیکین، کلیات فلسفه، ص ۱۴۹.

کلیدواژگان

حرکت جوهری
ابن‌سینا
اصالت وجود
ملاصدرا
حکیم جلوه